Research Quaterly of
Islamic Education and Training
Volume 6, Issue 1, 2025

Revisiting Lived Experiences of Second-Grade Elementary Teachers on Obstacles to Teaching the *Hadiyeh-ha-ye Aseman* Textbook

Seyed Heshmatollah Mortazavizadeh

Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran.
h.mortazavi@cfu.ac.ir

Abstract

Religious education plays a fundamental role in nurturing innate dispositions (*fitrah*) and fostering religious growth. This study investigates the lived experiences of elementary teachers regarding obstacles in teaching the second-grade *Hadiyeh-ha-ye Aseman* (Heavenly Gifts) textbook. Using a qualitative approach and descriptive phenomenology, the research focused on elementary teachers in Qom City during the 1403-1404 academic year. A criterion-based purposive sampling method selected 21 teachers, with semi-structured interviews conducted until data saturation (redundancy observed by the 19th interview, but two additional interviews were completed for validation). Inclusion criteria included at least three years of teaching experience in second grade and current teaching at this level. Data analysis followed Strabert and Carpenter's (2003) method. Peer review and member-checking enhanced validity, while detailed note-taking and meticulous data review ensured reliability. Major obstacles were categorized into four themes: Teacher-related obstacles; Student-related obstacles; Parent-related obstacles; Textbook content-related obstacles, further divided into 21 sub-themes. Recommendations include restructuring the textbook's chapters, making content more practical, employing active teaching methods, reducing teacher-centeredness, and increasing student participation in learning.

Keywords: Religious Education, Elementary Level, Teaching, *Hadiyeh-Ha-Ye Aseman* Textbook, Teachers, Qom City, Students.

Received: 2024/12/22 ; **Revised:** 2025/01/29 ; **Accepted:** 2025/02/19 ; **Published online:** 2025/03/26

Cite this article: Mortazavizadeh, S.H. (2025). Revisiting Lived Experiences of Second-Grade Elementary Teachers on Obstacles to Teaching the *Hadiyeh-ha-ye Aseman* Textbook. *Research Quarterly of Islamic Education and Training*, 6(1), p. 69-86. https://doi.org/10.48310/RIET.2025.18395.1360

Publisher: Farhangian University © the authors http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/ **Article type:** Research Article

پژوهش در
آموزش معارف و تربیت اسلامی
دوره ۶، شماره ۱، ۱۴۰۴

بازخوانی تجارب زیسته معلمان پایه دوم دوره ابتدایی از موانع تدریس هدیه‌های آسمان

سید حشمت‌الله مرتضوی‌زاده

گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. h.mortazavi@cfu.ac.ir

چکیده

تعلیم‌وتربیت دینی نقش اساسی در شکوفایی فطرت و رشد تربیت دینی انسان دارد. هدف پژوهش حاضر بررسی تجارب زیسته معلمان دوره ابتدایی از موانع تدریس کتاب هدیه‌های آسمان پایه دوم ابتدایی بود. این تحقیق با رویکرد کیفی و با روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. جامعه پژوهش شامل معلمان ابتدایی شهر قم بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ به تدریس مشغول بودند. از روش نمونه‌گیری هدفمند ملاکی برای انتخاب ۲۱ معلم استفاده شد و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با آنها صورت گرفت. فرایند مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت و در مصاحبه نوزدهم تکرار داده‌ها مشاهده گردید، اما برای اطمینان بیشتر دو مصاحبه دیگر نیز انجام شد. معیارهای ورود به پژوهش شامل حداقل سه سال سابقه تدریس در پایه دوم ابتدایی و تدریس در این پایه در سال جاری بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش استرابرت و کارپنتر (۲۰۰۳) صورت گرفت. برای افزایش روایی پژوهش، از بازخورد همتایان و بازبینی یافته‌ها توسط اعضاء استفاده شد. همچنین، برای ارزیابی پایایی تحقیق، از یادداشت‌برداری دقیق و مفصّل، بررسی دقیق داده‌ها هنگام پیاده کردن استفاده شد. موانع عمده در چهار مقوله اصلی شامل موانع مرتبط با معلمان، موانع مرتبط با دانش‌آموزان، موانع مرتبط با اولیای دانش‌آموزان و موانع مرتبط با محتوای کتاب درسی شناسایی شدند که این مضمون‌ها به ۲۱ زیرمضمون تقسیم گردیدند. از پیشنهادهای این پژوهش می‌توان به فصل‌بندی کتاب، کاربردی‌تر کردن مطالب، استفاده از روش‌های فعال تدریس، کاهش نقش معلم و افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرایند یادگیری اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، دوره ابتدایی، تدریس، کتاب «هدیه‌های آسمان»، معلمان، شهر قم، دانش‌آموزان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲ ؛ **تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۳/۱۱/۱۰ ؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۳/۱۲/۰۱ ؛ **تاریخ انتشار آنلاین:** ۱۴۰۴/۰۱/۰۶

استناد به این مقاله: مرتضوی‌زاده، سید حشمت‌الله (۱۴۰۴). بازخوانی تجارب زیسته معلمان پایه دوم دوره ابتدایی از موانع تدریس هدیه‌های آسمان. *پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی*، ۶(۱)، ص۶۹-۸۶. https://doi.org/10.48310/ RIET.2025.18395.1360

ناشر: دانشگاه فرهنگیان **نوع مقاله:** پژوهشی http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir

© نویسندگان

۱. مقدمه

آموزش دین در نظام رسمی تعلیم‌وتربیت، فعالیتی برنامه‌ریزی‌شده و نظام‌مند است که به‌منظور شکل‌دهی به نظام باورها، احساسات و اعمال دینی در محیط مدرسه انجام می‌شود و پیامد آن، شکل‌گیری مرتبهٔ تحقق‌پذیر حیات طیبه در دورهٔ دبستان است؛ که به‌عنوان هدف غایی انسان در نظر گرفته شده و مراتبی از آن که در گسترهٔ سنّی ۷ الی ۱۸ سالگی در مدرسه محقق می‌شود، به نظام آموزش‌وپرورش رسمی محول شده است (طباطبایی‌نژاد و نوذری، ۱۴۰۳). آموزش دینی، به‌ویژه در دورهٔ ابتدایی، از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا در این دوران، کودکان به‌عنوان پایه‌گذاران هویت دینی و فرهنگی جامعه شناخته می‌شوند. دوران کودکی نه‌تنها به‌عنوان پیش‌نیاز مراحل بعدی زندگی (نوجوانی، جوانی و بزرگسالی) محسوب می‌شود؛ بلکه کیفیت آن، تأثیرات عمیقی بر دیگر مراحل زندگی دارد. در این میان، کیفیت فرآیند تعلیم‌وتربیت ارائه شده نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به این دوران ایفا می‌کند (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۷). به همین دلیل، فرآیند یادگیری در سال‌های ابتدایی به‌عنوان یک فرآیند پیچیده در نظر گرفته می‌شود که کودک در آن، نقش مشارکت‌کننده و فعال ایفا می‌کند و دیگر به‌عنوان موجودی منفعل که تنها دریافت‌کنندهٔ اطلاعات است، دیده نمی‌شود (هانیفین و گراجچونک[1]، ۲۰۰۷). نتایج تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که یادگیرندگان امروزی نسبت به گذشته ریسک‌پذیرتر شده‌اند، از شکست‌های خود در مراحل اولیه یاد می‌گیرند و معنای مفاهیم را از منابع مختلف، استخراج کرده تا درک خود را گسترش دهند (مک‌کرینل[2]، ۲۰۱۸). یک برنامهٔ درسی جامع و مؤثر که به‌درستی اجرا شود، شامل مجموعه‌ای از تجربیات است که به یادگیرندگان فرصت‌های بیشتری برای کاوش در دیدگاه‌های مختلف و ارتقای مهارت‌های حل مسئله اجتماعی می‌دهد (کیم[3]، ۲۰۱۶). علاوه‌بر این، یک برنامهٔ درسی مبتنی‌بر یادگیری، به‌طور خاص نیازها و علایق منحصر به فرد هر کودک را مدنظر قرار می‌دهد. هانیفین و گراجچونک (۲۰۰۷) تأکید می‌کنند که تصویر کودک معاصر، هم پایه و هم تعیین‌کنندهٔ توسعهٔ برنامهٔ درسی آموزش مذهبی بوده و فلسفه‌ای که پایه‌گذار آن برنامه درسی است، باید تعریف شود. کتاب تعلیمات دینی در دورهٔ ابتدایی، «هدیه‌های آسمان» نام گرفته است و در دههٔ هشتاد در قالب دو کتاب درسی و کتاب کار ارائه می‌شد؛ که بعد از تدوین سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش و برنامه درسی ملی، در برنامه درسی جدید از سال ۱۳۹۱، محتوای این دو کتاب در یکدیگر ادغام شد و در قالب یک

1. Hanifin
2. McCrindle
3. Kim

کتاب در اختیار معلم و دانش‌آموزان قرار گرفت. بنابراین، یکی از کلیدی‌ترین منابع آموزش حقایق الهی و دینی در کشور ایران، تحت عنوان کتاب درسی «هدیه‌های آسمان» از پایه دوم ابتدایی تا پایه نهم دبیرستان است و از پایه دهم تا دوازدهم، «دین و زندگی» نام گرفته و موضوعات مهمی را پوشش می‌دهد. این کتاب‌ها با هدف پرورش ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، طراحی و تدوین شده و ۱۰ حوزه موضوعی شامل خداشناسی، پیامبری، امامت، جهان آخرت، قرآن، آداب و اخلاق اسلامی، خودشناسی، شخصیت‌های اسلامی، مراسم اسلامی و احکام اسلامی، محتوای آن را شکل می‌دهد (طباطبایی‌نژاد و نوذری، ۱۴۰۳).

محتوای کتاب درسی «هدیه‌های آسمان» پایه دوم ابتدایی، شامل شش بخش اصلی: خداشناسی، پیامبری، آشنایی با امامان، آداب و اخلاق اسلامی، احکام و آداب اسلامی، و احکام و مراسم اسلامی است. این محتوای آموزشی، دانش‌آموزان را با مفاهیم دینی آشنا کرده و نگرش‌ها و باورهای مذهبی آنها را شکل می‌دهد. از آنجا که آموزش دینی در نظام رسمی آموزش‌وپرورش ایران از پایه دوم ابتدایی آغاز می‌شود و دانش‌آموزان در این دوره، تازه با خواندن و نوشتن آشنا شده‌اند؛ فهم بسیاری از مفاهیم دینی برای دانش‌آموزان دشوار است. بدین صورت، فرآیند یاددهی- یادگیری این درس با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌رو است. در سال‌های اخیر، پژوهش‌های مختلفی در زمینه بررسی و تحلیل محتوای کتاب‌های «هدیه‌های آسمان» در موضوعات مختلف و تربیت دینی انجام شده است. این پژوهش‌ها شامل موضوعات متنوعی مانند: مؤلفه‌های اخلاق الهی (نجفی و دهقان کلور، ۱۴۰۰)، مؤلفه‌های نماز و مهدویت (محمدی، ۱۴۰۳)، انگاره‌های خدا (خسروی و مهری، ۱۴۰۳)، تربیت معنوی و اخلاقی کودکان (میرزایی، ۱۴۰۲)، تربیت اخلاقی (گلشن و عظیمی، ۱۴۰۲)، هوش اخلاقی (رحمانی و همکاران، ۱۴۰۲)، روش‌های تربیت دینی (پورشیرازی، ۱۴۰۱)، شکوفایی (افتخاری و همکاران، ۱۴۰۰)، مؤلفه‌های عاطفه دینی (کریم‌زاده، نجفی و نیکونظر، ۱۴۰۰)، خودآگاهی (سجادی و سلحشوری ۱۴۰۰) و مهارت‌های تفکر انتقادی (کریمیان، ۱۳۹۶) بوده است. تحقیقات انجام شده در حوزه تربیت دینی، به نتایج متفاوتی دست یافته‌اند. از میان آنها، می‌توان به تأثیر منفی دوستان و خانواده، نقش جامعه و رسانه و برخوردهای اجتماعی (یوسفی و همکاران، ۱۴۰۳)، تضاد میان خانه و مدرسه و کم‌توجهی خانواده‌ها به انجام واجبات و ضروریات دینی (ادیب‌منش، ۱۴۰۲)، تدریس نامناسب، محتوای دشوار، کاربردی نبودن و عدم توجه به مخاطبان (محمودی و یاوری، ۱۴۰۲)، بدفهمی‌های دینی (رحمان‌پور و میرشاه جعفری (۱۳۹۵)، عوامل موثر بر دین‌پذیری و دین‌گریزی جوانان (معافی و اشرفی، ۱۳۹۲). و تردید در آموزه‌ها و اعتقادات دینی اشاره کرد (کشاورز، ۱۳۸۴). با این حال، در این پژوهش‌ها و مطالعات مرتبط دیگر، به

چالش‌ها و موانع موجود در فرآیند آموزش و یادگیری محتوای درس «هدیه‌های آسمان» توجه نشده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون، مطالعه‌ای جامع درخصوص موانع تدریس این درس، به‌ویژه در پایه دوم، انجام نشده است. این امر نیاز به تحقیقات بیشتر در این زمینه را نشان می‌دهد. پژوهش در این حوزه می‌تواند با شناسایی موانع و مشکلات موجود، به بهبود فرآیند تدریس و یادگیری کمک کرده و کیفیت آموزش این مادهٔ درسی را ارتقاء دهد. در نهایت، این فرآیند می‌تواند به تسهیل رشد و تقویت دینی و اخلاقی دانش‌آموزان منجر شود. انتظار می‌رود که با کمک معلمان و از طریق تصمیم‌گیری‌های خلاقانه، برنامه درسی «هدیه‌های آسمان» در پایه دوم، فرصتی مناسب برای مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری فراهم کند؛ تا آنان با ایجاد نگرش صحیح و اصلاح نگرش‌های نادرست، توانایی انتخاب و تصمیم‌گیری آگاهانه پیدا کنند و به اعتقاد و ایمان دینی دست یابند. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و تبیین تجارب زیسته معلمان پایه دوم ابتدایی شهرستان قم از موانع تدریس هدیه‌های آسمان در این پایه است.

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر، با رویکرد کیفی و با استفاده از شیوهٔ پدیدارشناسی توصیفی، طراحی و اجرا شده است. پدیدارشناسی به‌عنوان یک فرآیند توصیفی در نظر گرفته می‌شود که هدف آن، بررسی و توصیف پدیده‌های خاص، به‌ویژه تجربیات زندگی انسان‌ها است. کانون توجه این رویکرد به تجربیات زندگی معطوف است؛ زیرا این تجربیات هستند که معنای هر پدیده‌ای را برای فرد شکل داده و به او کمک می‌کنند تا درک عمیق‌تری از واقعیت‌ها و جنبه‌های مهم زندگی خود به‌دست آورد (استرابرت و کارپنتر[1]، ۲۰۰۳). جامعهٔ تحقیق، شامل کلیهٔ معلمان ابتدایی شهر قم که در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ به تدریس مشغول هستند، می‌شود. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ملاکی، با ۲۱ معلم مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌یافته و عمیق انجام شد. فرآیند مصاحبه تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه داشت و در مصاحبهٔ نوزدهم، تکرار داده‌ها بدست آمد؛ اما برای اطمینان بیشتر با دو نفر دیگر نیز مصاحبه شد. زمان هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه بود. معیارهای ورود به مطالعه، عبارت بودند از: مشارکت‌کنندگان با حداقل سه سال سابقه تدریس در پایه دوم ابتدایی که در سال جاری نیز در این پایه مشغول به تدریس باشند. هنگامی که معلمان، تجربهٔ خود را درخصوص موانع تدریس «هدیه‌های آسمان» و عوامل زمینه‌ساز این موانع توصیف کردند و توضیح و روشنگری دیگری لازم نبود و اشباع داده‌ها حاصل شد، مصاحبه‌ها پایان‌یافته تلقی گردید.

1. Streubert & Carpenter

جدول ۱- مشخصات جمعیت‌شناسی مشارکت‌کنندگان

ردیف	نوع مدرسه	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	سابقه تدریس	سابقه تدریس
۱	دولتی	کارشناسی	آموزش ابتدایی	۲۵	۴
۲	دولتی	کارشناسی	الهیات	۷	۳
۳	دولتی	کارشناسی	آموزش ابتدایی	۱۴	۵
۴	دولتی	کارشناسی	آموزش ابتدایی	۱۳	۴
۵	دولتی	کارشناسی	آموزش ابتدایی	۶	۵
۶	دولتی	کارشناسی ارشد	علوم قرآنی	۲۸	۶
۷	دولتی	کارشناسی	آموزش ابتدایی	۲۲	۳
۸	دولتی	کارشناسی	آموزش ابتدایی	۱۱	۴
۹	دولتی	کارشناسی	آموزش ابتدایی	۲۴	۴
۱۰	دولتی	کارشناسی	آموزش ابتدایی	۱۲	۳
۱۱	دولتی	کارشناسی	آموزش ابتدایی	۸	۴
۱۲	دولتی	کارشناسی ارشد	برنامه درسی	۲۷	۴
۱۳	دولتی	کارشناسی	ادبیات فارسی	۲۶	۵
۱۴	دولتی	کارشناسی ارشد	روانشناسی تربیتی	۶	۵
۱۵	دولتی	کارشناسی ارشد	روانشناسی تربیتی	۹	۴
۱۶	دولتی	کارشناسی	آموزش ابتدایی	۲۴	۴
۱۷	دولتی	کارشناسی	آموزش ابتدایی	۱۲	۳
۱۸	دولتی	کارشناسی	آموزش ابتدایی	۸	۴
۱۹	دولتی	کارشناسی	آموزش ابتدایی	۹	۴
۲۰	دولتی	کارشناسی	روانشناسی	۱۰	۴
۲۱	دولتی	کارشناسی	علوم تربیتی	۴	۴

تجزیه‌وتحلیل اطلاعات، شامل این مراحل بود: مصاحبه با شرکت‌کنندگان، بررسی و تحلیل توصیف‌های ارائه شده توسط شرکت‌کنندگان، برون‌آوری جوهره‌ها و شناسایی روابط اساسی، نوشتن یک توصیف جامع از پدیده، دریافت بازخورد دقیق توصیف از طرف شرکت‌کنندگان و کسب تأیید آنان، و انتشار یافته‌ها. برای تعیین روایی پژوهش از بازخورد همتایان[1] و بازبینی یافته‌ها توسط اعضاء[2]، استفاده شده است. بدین صورت که محقق، متن مصاحبه‌ها را در اختیار متخصص دیگری قرار داد و مضمون‌هایی را از متن مصاحبه‌ها استخراج کرد. مقایسهٔ مضمون‌های استخراج‌شده نشان‌دهندهٔ همسویی دیدگاه

1. Peer debriefing
2. Member checking

پژوهشگر و متخصص موضوعی بود. همچنین خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهش در اختیار تعدادی از شرکت‌کنندگان کلیدی قرار گرفت و از آنها پرسیده شد: آیا یافته‌ها منعکس‌کنندهٔ دقیق تجارب آنها هستند یا خیر؟ آنها هم نظر خود را اعلام کردند و در برخی موارد، به اصلاح یافته‌ها منجر شده است. برای تعیین پایایی پژوهش، از یادداشت‌برداری دقیق و مفصل و بررسی دقیق داده‌ها هنگام پیاده کردن استفاده شده است (کرسول[1]، ۱۳۹۳).

۳. یافته‌ها

در جدول (۲)، مضمون‌های اصلی و فرعی استخراج شده از پژوهش، به‌طور خلاصه آمده است.

جدول ۲- مضامین اصلی و فرعی مستخرج از مصاحبه با معلمان ابتدایی

مضامین اصلی	مضامین فرعی
موانع مرتبط با معلمان	تأکید بر یادگیری دروس ریاضی، علوم و فارسی
	جدی نگرفتن آموزش این درس
	ضعف سواد دینی
	پذیرش فشارهای اجتماعی و تسلیم شدن در برابر آنها
	ناآگاهی از روش‌های نوین تدریس هدیه‌های آسمان
	بی‌انگیزگی به یادگیری این درس
موانع مرتبط با دانش‌آموزان	ضعف در خواندن مطالب
	ضعف در نوشتن متن درس
	نامناسب بودن برخی مفاهیم با ساختار ذهنی
	بی‌اعتنایی به آموزش و یادگیری این درس
موانع مرتبط با اولیای دانش‌آموزان	تناقض بین آموزش معلم و عملکرد والدین
	ناتوانی در پاسخ به سؤال‌های دینی
	بی‌ارتباطی با مهارت‌های زندگی
	انتزاعی بودن
	دشواری فعالیت‌ها
موانع مرتبط با محتوای کتاب درسی	جذاب نبودن شعرها
	نپرداختن به برخی موضوعات دینی روزمره
	متناسب نبودن داستان‌ها با پدیده‌های عصر فعلی
	عدم رعایت ارتباط عمودی بین درس‌ها
	ضعف در برقراری ارتباط افقی این درس با محتوای سایر دروس پایه دوم
	خلأ رویکردهای جدید در تدوین

1. Creswell

۳-۱. موانع مرتبط با معلمان

یکی از مضمون‌های اصلی استخراج‌شده از تجزیه‌وتحلیل تجارب زیستهٔ معلمان ابتدایی از تدریس درس «هدیه‌های آسمان»، موانع مرتبط با معلمان بود. این مضمون، شامل تأکید بر یادگیری دروس ریاضی، علوم و فارسی، جدی نگرفتن آموزش این درس، ضعف سواد دینی، ناآگاهی از روش‌های نوین تدریس هدیه‌های آسمان و پذیرش فشارهای اجتماعی و تسلیم شدن در برابر آنها بود. معلم به‌عنوان مدیر فرآیند یاددهی-یادگیری، نقش اصلی را در کلاس درس ایفا می‌کند. او هدایت‌کننده و تصمیم‌گیرندهٔ اصلی در کلاس درس است. با این حال اغلب معلمان، تدریس درس «هدیه‌های آسمان» را اولویت اصلی خود قرار نمی‌دهند. در اکثر مصاحبه‌ها به تأکید معلمان بر یادگیری دروس ریاضی، علوم و فارسی اشاره شد. مشارکت‌کننده شماره (۲) مطرح کرد که: «از آنجایی که دروسی مثل ریاضی و علوم سنگین‌تر هستند و زمان بیشتری برای تکرار و تمرین نیاز دارند؛ گاه مجبور می‌شوم، از ساعت درس «هدیه‌های آسمان» استفاده کنم و تمرکز خود را بر این دروس قرار دهم». از دیگر مضامین فرعی، جدی نگرفتن آموزش این درس بود. آشنایی با معارف دینی و زیستن دینی انسان به‌عنوان هدف اصلی تربیت دینی شناخته می‌شود. بسیاری از معلمان، آموزش این ماده درسی را جدی نمی‌گیرند و معتقدند که دانش‌آموزان می‌توانند به‌صورت خودخوان این درس را فرابگیرند و مانند دروس ریاضی و علوم تجربی نیاز چندانی به آموزش رسمی محتوا ندارند. مشارکت‌کنندهٔ شماره (۵) در این زمینه می‌گوید: «درس هدیه‌های آسمان، درس اصلی و پایه‌ای نیست و دروس دیگر مانند ریاضی و علوم مهم‌ترند. حتی خانواده‌ها نیز همین باور را دارند؛ زیرا این کتاب مبتنی‌بر حفظ مطالب بوده و بیشتر بر عهده دانش‌آموزان است و آنان می‌توانند بدون معلم مفاهیم آن را بیاموزند. بنابراین، چه نیازی به آموزش مستمر آن احساس می‌شود؟ البته من تدریس می‌کنم، اما نه به‌اندازه دروس دیگر». برخی از معلمان اذعان دارند که گاهی دانش‌آموزان، سؤالات پیچیده‌ای مطرح می‌کنند که پاسخ دادن به آنها دشوار است. ضعف سواد دینی، مضمون فرعی سوم بود که معلمان به آن اشاره کردند. به‌عنوان مثال، مشارکت‌کننده شماره (۷) گفت: «هنگامی‌که پیامبران اولوالعزم را معرفی کردم، یکی از دانش‌آموزان از من پرسید: چرا فقط پنج پیامبر کتاب دارند؟ چرا حضرت یوسف که در سریالش محبوب است و خدا او را دوست دارد، کتاب ندارد؟ من نتوانستم پاسخ قانع‌کننده‌ای به او بدهم». یا شرکت‌کنندهٔ شماره (۱۰) بیان کرد: «در درس خانواده بخشنده، درباره اسراف صحبت کردم و گفتم در هر کاری نباید اسراف کنیم؛ حتی کمک به دیگران، موقعی که موجب لطمه وارد شدن به خانواده خودمان باشد ...، جملهٔ من تمام نشده بود که یکی از دانش‌آموزان پرسید: چرا حضرت علی(ع) با اینکه روزه بودند و خودشان به‌اندازه کافی غذا نداشتند، غذای خود را به فقرا دادند؟ هرچه فکر کردم، نتوانستم پاسخ

قانع‌کننده‌ای به دانش‌آموز بدهم».

مضمون فرعی دیگر، پذیرش فشارهای اجتماعی و تسلیم شدن در برابر آنها بود. مضمون فرعی دیگر که نسبت به دیگر مضمون‌های برآمده از این پژوهش، حساسیت بیشتری دارد، فشارهای اجتماعی ناشی از دیدگاه خانواده‌ها، جامعه و رسانه‌های جمعی پیرامون آموزه‌های دینی است؛ که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر رفتار و رویکرد معلمان ابتدایی در درس هدیه‌های آسمان داشته باشد و گاهی معلمان را وادار می‌کند تا نظرات خود را تغییر دهند و تسلیم این فشارها شوند. در این زمینه، مشارکت‌کننده شماره (۲۱) بیان می‌کند: «دانش‌آموز دختر پایه سوم وقتی به کلاس می‌آید، روسری خود را درمی‌آورد. من کاری ندارم؛ اما در ابتدای سال بدون روسری بیرون می‌رفتند، جلوی آنها را گرفتم و گفتم وقتی که بیرون می‌روید، روسری بپوشید. چند روز بعد، برخی از مادران این کار را نوعی فشار بر دانش‌آموز دوم می‌دانستند و می‌گفتند، بچه ۸ ساله لازم نیست روسری بپوشد و حتی خودشان هم چندان رعایت نمی‌کردند، کم‌کم متوجه شدم بی‌فایده است و حالا خیلی جدی نمی‌گیرم». ناآگاهی از روش‌های نوین تدریس «هدیه‌های آسمان»، یکی دیگر از مضامین فرعی بود. آموزش کتاب «هدیه‌های آسمان» در اکثر مدارس به روش‌های سنّتی و سخنرانی‌محور محدود می‌شود. در این شیوه، دانش‌آموزان عمدتاً در نقش دریافت‌کنندهٔ اطلاعات قرار دارند و فرصت کافی برای تفکر و مشارکت در مباحث را ندارند. برخی از معلمان با روش‌های آموزشی نوین یا تکنیک‌های تعامل مؤثر با دانش‌آموزان آشنا نیستند؛ که این امر، منجربه ارائهٔ محتوا به‌صورت سطحی و با تأثیرگذاری ناکافی می‌شود. مشارکت‌کننده شماره (۶) اظهار می‌کند: «آنچه من در دوره‌های ضمن خدمت آموخته‌ام، همان روش‌های تکراری گذشته بوده و واقعاً روش‌های جدید آموزش داده نشده است. به همین دلیل، من نیز در کلاس بیشتر از روش‌های سخنرانی و پرسش‌وپاسخ استفاده می‌کنم و بچه‌ها مشارکت چندانی در بحث‌های کلاسی ندارند؛ چون روش تدریس، مشارکتی نیست».

۳-۲. موانع مرتبط با دانش‌آموزان

دومین مضمون اصلی استخراج‌شده از تجزیه‌وتحلیل تجارب زیسته معلمان ابتدایی از تدریس درس «هدیه‌های آسمان»، مضمون موانع مرتبط با دانش‌آموزان بود. این مضمون شامل بی‌انگیزگی به یادگیری این درس، ضعف در خواندن مطالب، ضعف در نوشتن متن درس و نامناسب بودن برخی مفاهیم با ساختار ذهنی آنها بود. بی‌انگیزگی به یادگیری این درس، اولین مضمون فرعی بود و در اکثر مصاحبه‌ها به بی‌انگیزگی دانش‌آموزان به یادگیری این درس اشاره شد. در این زمینه، مشارکت‌کننده شماره (۱۹) اظهار می‌کند: «بی‌انگیزگی دانش‌آموزان برای یادگیری این درس و ساده‌انگاری آن، یکی از مشکلات این درس است. دانش‌آموزان تمایلی به مطالعه این درس ندارند، می‌گویند محتوای کتاب بیشتر داستان است، چه

چیزی را بخوانیم! بیشتر باید جمله‌نویسی کنیم، جمله‌ها را کامل کنیم، پس چیزی ندارد که یاد بگیریم». یکی دیگر از مضامین فرعی، ضعف در خواندن مطالب بود. مشارکت‌کننده شماره (۲۰) بیان کرد: «وقتی بچه‌ها درس فارسی را به‌خوبی یاد نگرفته‌اند، به همین دلیل به‌راحتی هم از خواندن و نوشتن درس‌های هدیه برنمی‌آیند، نمی‌توانند شعرها را صحیح بخوانند، چند بار شعر را می‌خوانم؛ ولی باز دانش‌آموزان در تلفظ برخی کلمات و موزون خواندن آن مشکل دارند. به‌خصوص مهرماه، چون تابستان مدرسه نمی‌آمدند، اشکالات خواندنشان بیشتر است». مانع سوم، ضعف در نوشتن بود. مشارکت‌کننده شماره (۱۴) بیان کرد: «دانش‌آموز پایه دوم به‌تازگی نوشتن را یاد گرفته است، هنوز با خیلی از لغات فارسی آشنا نیست. نمی‌تواند هر مطلبی را بنویسد. وقتی در فعالیت‌های کتاب از دانش‌آموز خواسته می‌شود سه خط دربارهٔ این مطلب بنویسد، مانند اینکه «شما چطور می‌توانید مثل پیامبران باشید، نوشتن متن سه خطی دربارهٔ یک موضوع برای آنها دشوار است. وقتی هم می‌نویسند، خیلی از لغات را غلط می‌نویسند و این باعث می‌شود اعتماد به نفسشان هم آسیب ببیند». آخرین مضمون فرعی این مضمون اصلی، نامناسب بودن برخی مفاهیم با ساختار ذهنی دانش‌آموزان بود که مورد تأکید بسیاری از معلمان بود. مشارکت‌کننده شماره (۱۳) اظهار کرد: «برخی مفاهیم برای بچه‌ها گنگ هستند، قابل فهم نیستند. برای مثال، در درس اهل‌بیت پیامبر(ص)، اصطلاح اهل‌بیت پیامبر باید توضیح داده شود. اگر گفته می‌شد اهالی یک خانه، قابل‌فهم‌تر بود، آنها تفاوت بین امامان و پیامبران را نمی‌دانند، باید کودکانه و ساده گفته می‌شد».

۳-۳. موانع مرتبط با اولیای دانش‌آموزان

سومین مضمون اصلی شناسایی‌شده، موانع مرتبط با اولیای دانش‌آموزان است که سه مضمون فرعی را در برمی‌گیرد. این مضمون شامل ناتوانی در پاسخ به سؤال‌های دینی، بی‌اعتنایی به آموزش و یادگیری هدیه‌های آسمان و تناقض بین آموزش معلم و عملکرد والدین بود. خانواده، اولین محلی است که کودک در آن رشد کرده و با تقلید از اعضای خانواده، بسیاری از اصول اخلاقی و رفتاری را می‌آموزد. اولین مضمون فرعی، ناتوانی در پاسخ به سؤال‌های دینی بود. مشارکت‌کنندگان به نقش والدین در آموزش و یادگیری مسائل دینی و مذهبی معتقد بودند. به‌طوری‌که شرکت‌کننده شماره (۳) بیان کرد: «بسیاری از مفاهیم درس هدیه‌های آسمان، در خانواده یاد گرفته می‌شود. برای مثال، وقتی والدین قبل از غذا با ذکر یاد و نام خدا و بعد از غذا با تشکر از او، از نعمت‌هایی که به آنها داده است، شکرگزاری می‌کنند، کودک تا حدودی خداوند را دوست مهربان خود می‌داند که نعمت‌های زیادی به آنها داده است؛ اما در جلساتی که با اولیاء داشتیم، بیان کردند، وقتی کودک می‌پرسد: خدا کجاست و چطور متوجه می‌شوید نعمت‌ها را به ما داده است؟ نمی‌توانیم پاسخ دقیقی بدهیم و از پاسخ دادن طفره می‌رویم، اینجا کودک دچار سردرگمی

می‌شود». یکی دیگر از مضامین فرعی، بی‌اعتنایی اولیاء به آموزش و یادگیری این درس است. مشارکت‌کننده شماره (۱۱) اظهار داشت: «زمانی که به بچه‌ها تکلیف دادم و گفتم از والدین بخواهید تا این درس را برایتان توضیح دهند، مثلاً وضو گرفتن را به‌صورت عملی آموزش دهند یا تجربیات اولیه نماز خواندن خودشان را برایتان شرح دهند، در جلسهٔ بعد، بسیاری از آنها گزارش دادند که پدر یا مادرشان گفته: این درس اهمیت چندانی ندارد، برو ریاضی بخوان که خیلی مهم‌تر است و اغلب اظهار داشتند، والدینشان به درخواست‌های ما توجه نکردند». از دیگر مضامین فرعی که تقریباً همه معلمان بر آن توافق نظر دارند، تناقض بین آموزش معلم و عملکرد والدین است. مشارکت‌کننده شماره (۱۲) در این زمینه بیان می‌کند: «ما شاهد نوعی تناقض هستیم. آنچه دانش‌آموز از معلم می‌آموزد، در منزل نادیده گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال، در بحث وجوب نماز، دانش‌آموز این موضوع را در مدرسه رعایت می‌کند؛ اما هنگامی که به خانه می‌رسد، با چالش‌هایی مواجه می‌شود و در خانواده خبری از انجام این رفتارها نیست. در مدرسه، او نماز می‌خواند و معلم دربارهٔ وجوب نماز صحبت می‌کند، اما او در خانواده می‌بیند که به هر دلیلی این سنن رعایت نمی‌شود؛ که این امر، منجربه ایجاد تناقضی جدی در ذهن او می‌شود. به‌واقع، این تناقض در خانواده‌ها وجود دارد».

۳-۴. موانع مرتبط با محتوای کتاب درسی

این مضمون، دربرگیرندهٔ ۹ مضمون فرعی، شامل بی‌ارتباطی محتوا با مهارت‌های زندگی، انتزاعی بودن مباحث درس، دشواری فعالیت‌های کتاب، جذاب نبودن شعرهای کتاب، نپرداختن به برخی موضوعات دینی روزمره، متناسب نبودن داستان‌ها با پدیده‌های عصر فعلی، عدم رعایت ارتباط عمودی بین درس‌ها، ضعف در برقراری ارتباط افقی این درس با سایر دروس پایه دوم و خلأ رویکردهای جدید در تدوین محتوا و آموزش این درس است؛ که دارای بیشترین موانع تدریس هدیه‌های آسمان است. دانش‌آموزان، همواره محتوایی را یاد می‌گیرند که با زندگی روزمره آنان ارتباط داشته باشد. یکی از مضمون‌های فرعی این مقولهٔ اصلی، بی‌ارتباطی محتوا با مهارت‌های زندگی آنها است. مشارکت‌کننده شماره (۱۵) گفت: «محتوای این درس، فاقد مهارت‌های زندگی است. اگر آموزش مهارت‌های زندگی از پایه دوم شروع شود، چالش‌های ارتباطی بچه‌ها کم‌تر می‌شود. امروزه دعوای بچه‌ها در مدارس شایع است. نمی‌دانند چگونه با یکدیگر تعامل داشته باشند، تحمل کوتاهی دارند، طرح این مباحث در کتاب هدیه‌های آسمان که با زبان دین گره خورده باشند، تأثیر زیادی بر کاهش رفتارهای نامطلوب بچه‌ها دارد». از دیگر مضامین فرعی، انتزاعی بودن مباحث درس «هدیه‌های آسمان» است. محتوای درس «هدیه‌های آسمان»، بیشتر ذهنی و انتزاعی است و همین امر، سبب می‌شود دانش‌آموزان نتوانند بین مطالب جدید و تجارب گذشتهٔ خود،

پیوند برقرار کنند. لذا، معلم باتوجه به ویژگی‌های رشد ذهنی دانش‌آموزان دورهٔ ابتدایی، باید علاوه‌بر بهره‌گیری از محسوسات، از نمونه‌های عینی هم استفاده کند. در همین رابطه، مشارکت‌کننده شماره (۲۱) گفت: «مباحث درس «هدیه‌های آسمان» از قبیل آموزش دربارهٔ خدا و صفات او و آشنایی با پیامبران و امامان، بیشتر انتزاعی هستند. نمی‌توان تصوری کاملاً غیرمادی از خداوند داشت. چگونه در ذهن کودک، تصوری از خدا ایجاد کنم؟ خودم جواب این سؤال را نمی‌دانم. یکی از دانش‌آموزان از من سؤال کرد؛ اولوالعزم یعنی چه؟ چرا به پنج پیامبر اولوالعزم گفتند؟ اصلاً نوشتن و تلفظ اولوالعزم برای من که معلم هستم مشکل است، چه رسد به دانش‌آموزان!».

دشواری فعالیت‌های کتاب، مضمون فرعی دیگر بود که معلمان به آن اشاره کردند. مشارکت‌کننده شماره (۹) اظهار داشت: «در پایان هر درس، یک فعالیت »فکر می‌کنم و دوست دارم»، هست. برای دانش‌آموزان پایه دوم سخت است که با این وسعت دید فکر کنند و مطلبی بنویسند. برای آنها واضح نیست که چه بنویسند و چگونه بنویسند. مثال؛ فعالیت دوست دارم ... این است که دانش‌آموز این جمله را تکمیل کند: من هم مانند حضرت فاطمه(س) باشم؛ پس ... حالا باید تکمیل کند. بچه‌ها نمی‌توانند تکمیل کنند، متوجه نمی‌شوند؛ اغلب با جمله‌های بی‌ربط تکمیل می‌کنند». مضمون فرعی دیگر، جذاب نبودن شعرهای کتاب هدیه‌های آسمان است. مشارکت‌کننده کتاب‌درسی بیان کرد: «شعرهایی که در کتاب هدیه‌های آسمان وجود دارد، آرایه‌های ادبی لازم را ندارند، کودکانه نیستند، با فضای ذهنی بچه‌ها فاصله زیادی دارند، ناموزون هستند، آهنگین هم نیستند و برای آنها قابل‌فهم هم نیستند. مثلاً شعر خدای شاپرک (هدیه‌های آسمان پایه دوم، ۱۳) ناموزون است و دانش‌آموزان نمی‌توانند در کلاس بااحساس و آهنگین بخوانند».

خدای شاپرک‌ها

خدایا! آفتاب و آب از توست / ستاره، آسمان، مهتاب از توست
خدای غنچه‌های رنگ‌رنگی / خدای شاپرک‌های قشنگی
تو دشت بی‌کران را آفریدی / در آن نقّاشی دریا کشیدی
به گنجشکان پَرِ پرواز دادی / به مرغان جوجه‌های ناز دادی
خدای باغ و باران و بهاری / خدای سبزه‌زار و جویباری
خداوند زمین و آسمانی و هم بخشنده‌ای، هم مهربانی

حمید هنرجو

نپرداختن به برخی موضوعات دینی روزمره، مضمون فرعی دیگری بود که دغدغهٔ معلمان بود.

مشارکت‌کننده شماره (۴) می‌گوید: «بچه‌های پایه دوم، زیاد با هم دعوا می‌کنند. نمی‌توانند خشم خود را کنترل کنند، دروغ‌پردازی می‌کنند و گذشت هم ندارند. بنابراین، باید در این درس چنین موضوعاتی باشد. اگر بچه در سن ۷ یا ۸ سالگی بتواند خشم خود را کنترل کند، در بزرگسالی هم می‌تواند خشم خود را کنترل کند». مضمون فرعی دیگر، متناسب نبودن داستان‌ها با پدیده‌های عصر فعلی بود؛ که از طرف معلمان مطرح شد. مشارکت‌کننده شماره (۱۶) می‌گوید: «برخی از درس‌ها خیلی ابتدایی هستند و داستان جذابی ندارند، قدیمی هستند، به‌روز نیستند. مثال، درس «مهربان‌تر» که پرنده دنبال فرزندش می‌رود؛ خیلی پیش‌پاافتاده است. برای مهدکودک مناسب است، نه دبستان». عدم رعایت ارتباط عمودی بین درس‌ها، مضمون فرعی دیگری بود که موجب نگرانی معلمان شده بود و معتقد بودند درس‌ها به‌ترتیب و براساس سلسله‌مراتب یادگیری ارائه نشدند. مشارکت‌کننده شماره (۸) بیان می‌کند: «درس‌ها توالی لازم را ندارند. برخی درس‌ها به‌هم وابسته‌اند و باید به دنبال هم بیایند و به‌ترتیب آموزش داده شوند. برای مثال، درس پیامبران خدا، درس ششم و درس اهل‌بیت، درس نهم کتاب است. این دو درس باید به دنبال هم بیایند؛ ولی وقتی معلم درس پیامبران را تدریس می‌کند، سه درس بعد باید به موضوع اهل‌بیت بپردازد. چون فاصله بین تدریس این دو درس زیاد است؛ دانش‌آموز وقتی درس پیامبران را یاد گرفت، تا زمان آموزش درس اهل‌بیت برسد، فراموش می‌کند. پس باید درس‌های مربوط به‌هم، پشت‌سر هم باشند».

از دیگر مضمون‌های فرعی این مضمون اصلی، ضعف در برقراری ارتباط افقی این درس با محتوای سایر دروس پایه دوم بود؛ که تا حدودی مانع اجرای تدریس تلفیقی می‌شود و دانش‌آموزان نمی‌توانند بین موضوع‌های گوناگون ارتباط برقرار کنند. چراکه ارتباط افقی بین محتوای کتاب‌های درسی یک‌پایه، به معنای هم‌راستا بودن و هماهنگی موضوعات مختلف در دروس همان پایه است. این موضوع، توسط مشارکت‌کنندگان پذیرفته شد؛ به‌طوری که مشارکت‌کننده شماره (۱۷) اظهار داشت: «در درس فارسی، درسی داریم تحت عنوان هنر و ادب که می‌تواند موجب تقویت مفاهیم دینی شود. زمان تدریس این عنوان در کتاب درسی با عنوان درس هدیه‌ها مناسب نیست؛ حتی با علوم هم هماهنگی ندارد. اصلاً بچه‌ها نمی‌توانند مفاهیم درس هدیه را با مفاهیم دروس دیگر مرتبط کنند». آخرین مضمون فرعی این مضمون اصلی، خلأ رویکردهای جدید در تدوین محتوا و آموزش این درس بود. محتوای درس «هدیه‌های آسمان» در بسیاری از موارد، فاقد نوآوری و به‌روزرسانی است. بسیاری از محتوای این درس از زبان و ساختارهای قدیمی استفاده می‌کنند که نمی‌توانند پاسخ‌گوی نیازهای نسل‌های جدید باشند. به همین دلیل، طراحی و تألیف کتب دینی باید به‌گونه‌ای باشد که علاوه‌بر انعکاس اصول دینی، محتوای آن با زبان و تجربه‌های کودکان سازگار باشد. مشارکت‌کننده شماره (۱۸) می‌گوید: «بسیاری از مطالب کتاب متناسب با درک و فهم

دانش‌آموز پایه دوم نیست و منجربه مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند تدریس نمی‌شود. مثلاً در درس «پرندگان چه می‌گویند؟» آمده است؛ پرندگان جیک‌جیک می‌کنند؟ مادر گفت: فکر می‌کنم آنها با این کار از خدا تشکر می‌کنند، ساجده گفت: آنها با خدا چه می‌گویند؟ فهم این نکته برای دانش‌آموزان سخت است. آنها فقط جیک‌جیک پرندگان را شنیدند، چطور باید متوجه شوند که آنها با خدا حرف می‌زنند؟ من چطور آنها را متوجه این موضوع کنم؟ حتی صفحه‌آرایی و فونت مطالب جذاب نیست و مهارت‌های زندگی عصر کنونی که همان عصر فناوری و عصر شبکه‌های مجازی می‌گویند را هم منتقل نمی‌کند».

۴. نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بازخوانی تجارب زیستهٔ معلمان دوره ابتدایی از موانع تدریس کتاب هدیه‌های آسمان پایه دوم ابتدایی بود. براساس تجارب زیسته معلمان پایه دوم، موانع تدریس درس «هدیه‌های آسمان» در چهار مضمون اصلی و بیست‌ویک مضمون فرعی که همان موانع تدریس این درس هستند، احصاء شدند. مضمون اول، موانع مرتبط با معلمان بود که دربرگیرندهٔ چهار مضمون فرعی، شامل تأکید بر یادگیری دروس ریاضی و علوم و فارسی، جدی نگرفتن آموزش این درس و ضعف سواد دینی، ناآگاهی از روش‌های نوین تدریس «هدیه‌های آسمان» و پذیرش فشارهای اجتماعی و تسلیم شدن در برابر آنها است. در برنامهٔ درسی، باید به نقش مرجعیت معلم در هدایت تربیتی دانش‌آموزان و غنی‌سازی محیط تربیتی و یادگیری توجه نمود (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱)؛ به‌طوری که اوکک و اوکیه[1] (۲۰۱۶) معتقدند چالش‌های پیش روی آموزش دینی، به‌طور عمده به سه عامل بستگی دارد. اولین و دومین عامل، معلمی است که تدریس می‌کند و دانش‌آموزی که دریافت‌کنندهٔ آموزش است. سومین عامل، روشی است که در انتقال آموزش مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این میان، ارتقای صلاحیت‌های اعتقادی، اخلاقی، حرفه‌ای و تخصصی معلمان و تغییر نگرش آنها نسبت به این درس و اینکه هرکدام از مواد درسی در فرآیند تربیت‌پذیری دانش‌آموزان اهمیت خاصی دارد، جهت رفع موانع تدریس این مادهٔ درسی ضرورت است. مضمون دوم، موانع مرتبط با دانش‌آموزان بود که شامل بی‌انگیزگی برای یادگیری این درس، ضعف در خواندن مطالب، ضعف در نوشتن متن درس و نامناسب بودن برخی مفاهیم با ساختار ذهنی آنها است. انگیزه، یکی از جنبه‌های اساسی یادگیری است که دانش‌آموزان را به سمت اهداف خاصی سوق می‌دهد (ایسیری[2]، ۲۰۲۴). حفظ و نگه داشتن انگیزهٔ دانش‌آموزان در کلاس‌های ابتدایی

1. Okeke & Okoye
2. Aseery

برای فهم آموزش دینی و درگیر کردن آنها با مفاهیم دینی، برای دستیابی به پیشرفت تحصیلی آنها ضروری است (بریسارد و گرسن[1]، ۲۰۰۴). ناگفته پیدا است که عوامل متعددی در ایجاد انگیزهٔ دانش‌آموزان در هر درسی، نقش دارد به‌طوری‌که ایلماز، سهین و تروگت[2] (۲۰۱۷) عوامل مؤثر بر انگیزهٔ تحصیلی را در چهار دسته اصلی: مهارت‌های مدیریت کلاس درس معلمان، شیوه‌های تدریس معلمان، تعاملات والدین و ویژگی‌های دانش‌آموزان و مدرسه، طبقه‌بندی نمودند. ضعف در ایجاد انگیزه، موجب ضعف در خواندن و حتی نوشتن مطالب درسی می‌شود.

مضمون سوم، موانع مرتبط با اولیای دانش‌آموزان بود که شامل ناتوانی در پاسخ به سؤال‌های دینی، بی‌اعتنایی به آموزش و یادگیری این درس و تناقض بین آموزش معلم و عملکرد والدین است. روشن است که مدرسه یکی از ارکان اصلی تعلیم‌وتربیت به شمار می‌آید، اما خانواده نیز به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار در تربیت دینی دانش‌آموزان شناخته می‌شود. در بسیاری از موارد، خانواده‌ها به دلیل ناآگاهی یا مشغله‌های روزمره، نقش فعالی در تقویت آموزه‌های دینی فرزندان نداشته و این کمبود حمایت، می‌تواند مانع از ریشه‌دار شدن مفاهیم دینی در زندگی شخصی و اجتماعی آنان شود. تشکیل کلاس‌های آموزش خانواده با محوریت تربیت دینی و آموزش آموزه‌های دین، می‌تواند به ارتقای سواد دینی والدین کمک کند. مضمون چهارم، موانع مرتبط با محتوای کتاب درسی بود که بیشترین یافته‌های پژوهش را به خود اختصاص داد؛ شامل بی‌ارتباطی محتوا با مهارت‌های زندگی، انتزاعی‌بودن مباحث درس، دشواری فعالیت‌های کتاب، جذاب نبودن شعرهای کتاب، نپرداختن به برخی موضوعات دینی روزمره، متناسب نبودن داستان‌ها با پدیده‌های عصر فعلی، عدم رعایت ارتباط عمودی بین درس‌ها، ضعف در برقراری ارتباط افقی این درس با محتوای سایر دروس پایهٔ دوم و خلأ رویکردهای جدید در تدوین محتوا و آموزش این درس است. از نظر توزیع موانع درس «هدیه‌های آسمان»، یافته‌ها حاکی از آن است که در یک نگاه کلی و با در نظر گرفتن تعداد مضمون‌ها، بیشترین موانع به محتوای درس، از قبیل متن درس و فعالیت‌های آن شامل: «بدانیم»، «دوست دارم»، «بگرد و بگو»، «ببین و بگو» و «باهم بخندیم» است. برنامه‌های درسی، به‌طور خاص کتاب‌های درسی و تربیتی، باید به نقش فعال، داوطلبانه و آگاهانه دانش‌آموز در فرآیند یاددهی-یادگیری و تربیت‌پذیری توجه نماید و زمینهٔ تقویت و توسعهٔ روحیه پرسشگری، پژوهشگری، خلاقیت و کارآفرینی را در وی فراهم سازد (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱). بازنگری در محتوای این درس، با در نظر گرفتن دیدگاه‌های معلمان ضرورت دارد. متناسب با موضوع و اهداف درسی، از

1. Broussard & Garrison
2. Yilmaz, Sahin & Turgut

ترکیب روش‌های فعال تدریس مانند قصه‌گویی، بازی، نمایش، ایفای نقش، کاوشگری و بحث گروهی نیز استفاده گردد. این روش‌ها، می‌توانند به ارتقای مشارکت دانش‌آموزان و بهبود فرآیند یادگیری آنان کمک نمایند. همچنین، کتاب «هدیه‌های آسمان دوم»، شامل ۲۰ درس مستقل است که برخی از آنها علی‌رغم اینکه مفاهیم مشترک و نزدیکی دارند؛ اما ارتباط عمودی چندانی با هم ندارند. لذا، پیشنهاد می‌شود سرفصل‌های این کتاب در همهٔ پایه‌ها در قالب ۴ یا ۵ فصل سازماندهی شود و در هر فصل، موضوعات مشابه قرار گیرد. این کار می‌تواند به ایجاد انسجام و یکپارچگی مطالب کمک کند و فرآیند تدریس را برای معلم و یادگیری را برای دانش‌آموزان تسهیل نمایند. علاوه‌بر آن، برخی از مفاهیم و اهداف اصلی درس با مفاهیم و اهداف اصلی درس به‌صورت تلفیقی آموزش‌داده شود؛ زیرا سازماندهی برنامه‌های درسی به شیوه تلفیقی، زمینهٔ لازم را برای دستیابی دانش‌آموزان به وحدت و یکپارچگی در تجربه‌های یادگیری فراهم می‌آورد و موجب یادگیری معنادار می‌شود (مهرمحمدی، ۱۴۰۲). به‌عنوان مثال، موضوع «ساعت» در درس ریاضیات، می‌تواند با موضوع «وضو» در درس هدیه ترکیب گردد. به این صورت که هنگام اذان، ساعت اعلام شده و همزمان دانش‌آموزان وضو می‌گیرند و شمارش رکعت‌های نماز را نیز می‌آموزند. همچنین، در درسی همچون هنر، عنوان «نعمت‌های خداوند» می‌تواند مرتبط با درک و شکرگزاری از این نعمت‌ها باشد و دانش‌آموزان می‌توانند با نقاشی‌های خود، به این مفاهیم توجه کنند.

در نهایت، برخی درس‌ها در پایه‌های بالاتر برای پایه دوم ضروری است. برای مثال، درس ششم هدیه‌های آسمان پایه چهارم، «حرمی با دو گنبد» نام دارد؛ که بهتر است به پایه دوم منتقل شود. یکی از حالات رایج بین دانش‌آموزان، اختلاف‌نظرهایی است که به عصبانیت، دعوا، کینه و دشمنی منجر می‌شود. بنابراین، لازم است دانش‌آموزان پایه دوم با آثار و فواید فروبردن خشم و بخشش آگاه شوند؛ تا این عمل به پایه‌های بالاتر اشاعه داده نشود. داستان «حرمی با دو گنبد» بر این مضمون تأکید دارد که سعی شود هنگام عصبانیت، خشم خود را کنترل کنیم تا از نیکوکاران باشیم. دانش‌آموزان پایه دوم مکرر دعوا می‌کنند، عصبانی می‌شوند، داد می‌زنند؛ بنابراین، درس کنترل خشم برای آنها ضروری است. سرانجام در انتهای هر درس، یک فعالیت عملی از دانش‌آموزان خواسته شود تا دین را به‌طور کاربردی لمس کنند و در زندگی خود به کار گیرند؛ زیرا چیزی که از کودکی در وجود کودک نهادینه شود، هرگز فراموش نخواهد شد و یک درس، با موضوع قدس و مقاومت که در قالب داستان و دربرگیرنده تصاویری از مسجدالاقصی، نخستین قبله و سومین مکان مقدس مسلمانان باشد، به محتوای کتاب هدیه‌های آسمان پایه دوم اضافه شود.

۵. حامی مالی

این پژوهش با حمایت مالی شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان قم انجام شده است.

ـ منابع ـــــ

ادیب‌منش، مرزبان (۱۴۰۲). تبیین آسیب‌های حوزه تربیت دینی مدارس و ارائه راهبردها و راهکارهای مناسب. *پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی*، ۴(۱)، ص۳۳-۴۶. https://doi.org/10.22034/riet.2023.13042.1151

افتخاری، جابر؛ افتخاری، حجت؛ رنجبری، ثریا (۱۴۰۰). تحلیل کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی نسبت به مولفه‌های شکوفایی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۵(۲۹)، ص۱۴۵-۱۶۲.

https://doi.org/10.30471/psy.2022.8107.1917

پورشیرازی، مرتضی (۱۴۰۱). تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان چهارم ابتدایی براساس روش‌های تربیت دینی. *پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی*، ۲(۴)، ص۴۵-۶۸. https://doi.org/10.22034/riet.2022.12293.1133

خسروی، رحمت‌الله؛ مهری، آرمان (۱۴۰۳). ارزیابی برنامه درسی هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی براساس مؤلفه‌های مربوط به انگاره خدا. *مطالعات برنامه درسی*، ۱۹(۷۲)، ص۹۱-۱۲۰. https://doi.org/10.22034/jcs.2024.180208

دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۱). *برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش؛ با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

رحمان‌پور، محمد؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم (۱۳۹۵). آسیب‌های تربیت دینی و ارائه راهکارهای مناسب از دیدگاه صاحب‌نظران با رویکرد برنامه‌ریزی درسی. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۴(۳۲)، ص۳۱-۵۲.

رحمانی، عاطفه؛ دانشمند، بدرالسادات؛ سلطانی، اصغر (۱۴۰۲). بررسی مؤلفه‌های هوش اخلاقی در کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی. *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۱۱(۲)، ص۹۱-۱۱۶.

https://doi.org/10.30497/esi.2023.244744.1635

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۷). *راهنمای معلم هدیه‌های آسمان پایه دوم*. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

سوسن، کشاورز (۱۳۸۴). *تحلیل دستاوردهای تحقیقات در خصوص تاثیر نظام آموزش و پرورش رسمی کشور بر تربیت دینی دانش‌آموزان*. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

طباطبایی نژاد، سید سجاد؛ نوذری، محمود (۱۴۰۳). *روش تدریس هدیه‌های آسمان*. قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.

کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۳). *طرح پژوهش رویکردهای کیفی، کمّی و ترکیبی*. ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس. تهران: انتشارات آییژ.

کریم‌زاده، صادق؛ نجفی، حسن؛ نیکونظر، ابوالفضل (۱۴۰۰). تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی براساس مؤلفه‌های عاطفه دینی. *معرفت*، ۳۰(۶)، ص۲۹-۴۰.

کریمیان، حسین (۱۳۹۶). بررسی و تبیین میزان توجه به مهارت‌های تفکر انتقادی در کتاب‌های هدیه‌ای آسمان دورهٔ ابتدایی از دیدگاه معلمان. *مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، ۶(۱۹)، ص۷۵-۹۵.

گلشن، امین؛ عظیمی، محمد (۱۴۰۲). تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان پایه دوم ابتدایی از منظر توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی. *معرفت اخلاقی*، ۱۴(۳۴)، ص۷۹-۹۰.

محمدی، علیرضا (۱۴۰۳). بررسی میزان توجه کتاب هدیه‌های آسمان پایه پنجم ابتدایی به مؤلفه‌های نماز و مهدویت.

پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۵(۲)، ص۶۳-۸۲.
https://doi.org/10.22034/riet.2024.15611.1231

محمدی، محمود؛ یاوری، سمانه (۱۴۰۲). بررسی تجربیات زیسته دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان از مسائل و آسیب‌های تربیت دینی در مدارس دوره متوسطه. *پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی*، ۴(۳)، ص۷-۲۸.
https://doi.org/10.22034/riet.2023.14669.1191

معافی، لیلا؛ اشرفی، عباس (۱۳۹۲). عوامل موثر بر دین‌پذیری و دین‌گریزی جوانان از دیدگاه جوانان. *معرفت*، ۱۱(۲۲)، ص۱۳-۲۸.

مهرمحمدی، محمود (۱۴۰۲). *برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها، چشم‌اندازها*. تهران: انتشارات سمت.

میرزایی، مهدی (۱۴۰۲). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی آموزش قرآن و هدیه‌های آسمان دوره اول ابتدایی از حیث توجه به مؤلفه‌های تربیت هویت‌محور معنوی و اخلاقی کودکان منطبق با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. *مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت*، ۶(۱۱)، ص۱۰۷-۱۴۰. https://doi.org/10.48310/qej.2024.14993.1015

نجفی، حسن؛ دهقان کلور، محمدصادق (۱۴۰۰). تحلیل کیفی کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی بر مبنای مولفه‌های اخلاق الهی. *پژوهش‌های آموزش و یادگیری*، ۱۷(۱)، ص۱۴۳-۱۶۱.
https://doi.org/10.22070/tlr.2021.10396.0

یوسفی، زهرا؛ دافعیان، فاطمه؛ مالکی‌پور، محمدمهدی؛ شهبازی، اعظم (۱۴۰۳). مطالعه کیفی علل دین‌گریزی نوجوانان پسر در خانواده‌های مذهبی. *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۴(۱۲)، ص۳۷-۶۵.
https://doi.org/10.30497/esi.2024.246956.1834

Aseery, A. (2024). Enhancing learners' motivation and engagement in religious education classes at elementary levels. *British Journal of Religious Education*, 46(1), p. 43-58. https://doi.org/10.1080/01416200.2023.2256487

Broussard, S.C. & Garrison, M.B. (2004). The relationship between classroom motivation and academic achievement in elementary-school-aged children. *Family and consumer sciences research journal*, 33(2), p.106-120. https://doi.org/10.1177/1077727X04269573

Hanifin, P.A. & Grajczonek, J.P. (2007). *Teaching and learning in the early years' religion class*. In: Religious Education (Vol. 158, p. 158-176). https://doi.org/10.1080/01416200.2015.1110112

Kim, Y.H. (2016). Early childhood educators' meta-cognitive knowledge of problem-solving strategies and quality of childcare curriculum implementation. *Educational Psychology*, 36(4), p. 658-674. https://doi.org/10.1080/01443410.2014.934661

McCrindle, M. (2018). *What comes after Generation Z?* Introducing Generation Alpha [web log comment].

Okeke, C. & Okoye, H. (2016). The challenges facing the effective teaching and learning of religious/moral education in secondary schools in Onitsha urban. UNIZIK *Journal of Religion and Human Relations*, 8(1), p. 84-96.

Streubert, H.J. & Carpenter, D.R. (2003). *Qualitative research in nursing*: *Advancing the humanistic imperative*. Lippincott Williams & Wilkins.

Yilmaz, E., Sahin, M. & Turgut, M. (2017). Variables affecting student motivation based on academic publications. *Journal of Education and Practice*, 8(12), p. 112-120. https://files.eric.ed.gov/fulltext/EJ1140621.pdf